

یادداشتی از ناهید مظفری فعال رسانه فرهنگی اجتماعی

آتش در حریم خورشید؛ روایتی از کربلا در تفتیدگی کویر

ظهر عاشورا که از راه می‌رسد، میدان امامزاده عبدالله بافق، دیگر تنها یک میدان نیست؛ گویی صحرای نینواست که در قلب کویر یزد بازآفریده می‌شود. در لحظاتی که آسمان به رنگ اندوه درمی‌آید، شعله‌های خیمه‌سوزان، قصه پرغصه غربت‌خاندان وحی را بر بوم خاطرات عزاداران نقش می‌زند تا مرز میان تاریخ و امروز، در دایره‌ای از آتش و اشک، درهم شکسته شود. وقتی خورشید ظهر عاشورا در اوج خود می‌ایستد، بافقی‌ها در جوار حرم امامزاده عبدالله (ع)، به یاد لحظات ناتوان‌کننده پس از شهادت خورشید کربلا، دست به کار روایتی نمادین می‌شوند.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، ناهید مظفری فعال رسانه فرهنگی اجتماعی در یادداشتی با عنوان " آتش در حریم خورشید؛ روایتی از کربلا در تفتیدگی کویر" آورده است؛

آیین «خیمه‌سوزان» در بافق، نه یک نمایش، که مرتبه‌ای است مجسم از جنایت بنی‌امیه؛ لحظه‌ای که در آن، شعله‌های سرکش، قامت خیمه‌ها را در آغوش می‌کشند و فریاد «واحسینای» جمعیت انبوه، تا عرش می‌رسد.

این اجتماع بزرگ که پیوندی ناگسستنی با نماز ظهر عاشورا دارد، دروازه‌ای است به سوی سوگ «شام غریبان». وقتی خورشید آن روز خونین به غروب می‌نشیند، زمین بافق با شعله‌های کوچک شمع‌ها فرش می‌شود؛ شمع‌هایی که هر کدام، نوری است در دشت تاریک نینوا و مرهمی بر زخم پیکرهای پایی که بر خاک کربلا مانده‌اند.

اما تماشایی‌ترین بخش شناسنامه عزاداری بافق، «نخل‌برداری» است؛ آیینی که اگرچه در سرتاسر دیار یزد نشان‌دهنده شکوه سوگواری است، اما در بافق رنگ و بویی متمایز دارد. برخلاف رسم رایج بسیاری از شهرها که نخل را در ظهر عاشورا بر دوش می‌کشند، مردمان نجیب بافق، این پیکره چوبی نمادین را در روز سیزدهم محرم بر روی دست‌ها به پرواز درمی‌آورند.

این تأخیر سه‌روزه، گویی نمادی از صبوری بازماندگان داغدار کربلاست؛ گویی بافقی‌ها نخل را به یاد روز خاک‌سپاری یاران حسین (ع) به حرکت درمی‌آورند تا شکوه این آیین، در سکوت پس از عاشورا، همچنان فریادگر حق‌طلبی شهیدان نینوا باقی بماند.